



با شروع پادشاهی محمدعلی شاه قاجار که عامل سفارتخانه های خارجی بود در اولین گام مجلس را به توپ بست و مشروطه خواهان را به گونه های مختلف زمین گیر نمود.

در این بین ستارخان و باقرخان شعله های مبارزه آزادیخواهانه ملت ایران را روشن نگاه داشتند. در زمانی که همه فکر می کردند ستارخان نیز همانند بسیاری از آزادیخواهان کشته شده است یکی از یاراننش در حضور باقر خان به او گفت قشون دولتی رحمی ندارند و به ما مزدور می گویند، ستارخان پاسخ داد : اگر مزدور هم باشیم مزدور مردمیم نه اجنبی . باقرخان هم گفت : حکیم فردوسی هم وقتی شاهنامه را می نوشت در ایران غریب بود . ستارخان در حالی که به دور دست نگاه می کرد گفت : بزودی مردم آزادیخواه ایران تومار اجنبیان را در هم خواهند پیچید.

این نشان میدهد حتی در بدترین شرایط مبارزین آزادیخواه نا امید نشدند و دل به تقدیر نسپردند ، منتظر دگرگونی اوضاع توسط این و آن هم نشدند.

به سخن ارد بزرگ : در پشت هیچ در بسته ای ننشینید تا روزی باز شود . راه کار دیگری جستجو کنید و اگر نیافتید همان در را بشکنید.

و دیدیم در اندک زمانی ورق برگشت و مشروطه خواهان وارد تهران شدند و حاکمیت ملی را بار دیگر زنده نمودند.





این بنده ساهی ششاز برای امرای
انظام شویب خرد احمدی سلطان
انظام صاوری خاندان احمدی
بال اولاد و سستی خود شرف نموده
تا دولت سابقه تبدیل به دولت سادله
وقایع حضرت سید المرسلین و غیره
سکات اهل اسلام شود - شمار
آرامگاه مجاهد سلمان

ستارخان

فرزند حاج حسن قزاقی
که بدلیل رهبری مقاومت میر سرتان
مردم آذربایجان در مقابل ارتقا لکران
و دشمنان مشروطیت
و دشمنان مشروطیت

سردار ملی

معروف گردید و سرانجام پس از عمری مبارزه
و تلاش در روز ۲۵ آبان ماه سال
۱۲۹۳ هـ. ش دارفانی را وداع گفت